

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سیدهاشم سدید

۲۱ می ۲۰۱۷

## هیچ کدام قابل باور نیستند!

قبل از همه سلام ها و تمنیات نیک خویش را خدمت جناب مولانا صاحب "امرالدين بطحا" تقدیم نموده از الطاف بی پایان شان نسبت به خود قلباً تشکر می کنم. مشکلات من با شخص نامبرده چند بُعدی است. نخست: بحثی که در یک مرجع دنبال نشود، نه دلچسب است و نه خوش آیند. دوم: روزی یکی از دوستان بسیار عزیز گفتند: کسی که "وزارت امور داخله"ی من را وزارت امور داخله نگوید، من هم "د کورنی چارو وزارت" او را د کورنی چارو وزارت نمی گویم. سوم: بحث های دینی، همان طور که شما بزرگوار فرموده اید، اگر میان دو یا چند انسان اندیشه ورز یا پژوهشگر جریان نداشته باشد، بحث هائی نیستند که برای روشن شدن یک قضیه مؤثر بیفتند و در پایان یکی از خر منیت و تعصب و حق به جانب بودن پائین شده بپذیرد که: بلی! درست فرموده اید. حق با شماست. دوغ من ترش است.

این چنین بحث ها به ندرت میان دو پژوهشگر یا اندیشمند صورت می گیرد؛ چرا که در غالب مواقع پژوهشگران و اندیشمندان قبل از طرح یک موضوع با کسی دیگر، برای فهم صدق و کذب آن موضوع، خود با روش های عقلانی - استدلالی - منطقی - علمی راست و ناراست آن مسأله را کشف می کنند و لازم نمی بینند در آن باره از کسانی که در پی دریافت حقیقت نباشند و یا با قضایا برخورد تنگ نظرانه یا دشمنانه داشته باشند، نظر بخواهند.

من در یکی از نوشته هایم، دو یا سه هفته پیش پیامی عنوانی شخص مورد نظر ارسال نموده از ایشان خواهش کردم که در صورت شائق بودن به ادامه بحث، نوشته های شان را به پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان بفرستند. سبب این خواهش این بود که در این پورتال نوشته ها به بهانه های واهی نه از نشر مانده اند و نه از نشر می مانند. اما ایشان خواهش من را نا شنیده گذاشتند.

نوشته شما را، که به قول صائب "روی کار را از پشت کار می بینید"، نمی دانم جواب خواهند گفت یا خیر و اگر جواب بگویند، چه جواب خواهند گفت.

در مورد خلقت آدم و عیسی من با شما کاملاً موافق هستم. در واقع هر انسانی صاحب هوش و تیزبینی که کمی از دین و تاریخ ادیان آگاه باشد و عادت داشته باشد که برای پیدا کردن معرفت اصیل به کنه مطالب از هوش خود استفاده کند، می داند که پیدایش این دو انسان نظر به آنچه در قرآن نوشته شده است به هیچ وجه یکسان نبوده است.

تناقضات در گفتار دینی، وقتی انسان با به کارگیری گفتمان شناسی انتقادی به ارزیابی گفتار های دینی می پردازد، خارج از شمار است. تنها در پیدایش انسان، اگر دقت شود، در قرآن چندین نظر ارائه شده است. به طور مثال:

- در آیت ۱۷ سوره نوح به وضوح گفته می شود که "و خدا شما را مانند گیاهی از زمین رویانید." (والله انبتکم من الارش نباتاً).

- در آیت ۲ سوره علق، گوئیا سخن رویانیدن از زمین فراموش شده باشد، زیرا گفته می شود که انسان را از علق (خون بسته) آفرید: خلق الانسان من علق.

- در جای دیگر - در آیت ۲۶ سوره حجر - گفته می شود که "و در حقیقت انسان را از گل خشک از گل سیاه و بد بو آفریدیم." (و لقد خلقنا الانسان من صلصال من حما مسنون).

- اما در آیت ۲۰ سوره روم خلاف گل - خشک و سیاه و بد بو - صحبت از خاک است: "و من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون." یعنی و از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید پس بناگاه بشری هر سو پراکنده شد.

- جالب ترین گفتار قرآن در مورد پیدایش، پدید آوردن "هر چیز" از آب است، که می فرماید: "اولم یر الذین کفروا ان السماوات والارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون (آیت ۳۰ سوره انبیاء). یعنی: "آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیزی زنده ای را از آب پدید آوردیم آیا ایمان نمی آورند."

در چهار یا پنج آیت فوق تناقضات زیادی به چشم می خورد؛ مانند:

یک کجا هر چیزی - البته به شمول انسان - از آب پدید می آید. در جای دیگر از خاک به وجود می آید. در مورد دیگر از گل، که مخلوطی از خاک و آب است، در جای دیگر از خون بسته. و در موردی هم مانند گیاه از زمین می روید! کدام یک صحت دارد؟ چرا کلام قرآن، طوری که گفته می شود که روشن و روشنگر است، روشن و سهل و قطعی نیست؟

دوم؛ چگونه چند چیز در عین زمان با یک چیز متصل و ملحق می گردد؟ اگر کسی بخواهد چند ورق را با هم بچسباند، به صورتی که همه رو در رو هم قرار داشته باشند، به هیچ وجه همه رو در رو یک دیگر قرار نمی گیرند.

هر ورقی تنها در روی یک ورق قرار می گیرد و یا می چسبد و به همین ترتیب ورق دیگر به روی ورق دیگر تا آخرین ورق. بنابر این زمین اگر با آسمان ملحق بوده باشد، تنها با یک آسمان می تواند ملحق باشد، نه با چندین آسمان! وقتی ما چند عنوان کتاب را در تاق الماری کتاب خانه ای در کنار دیگر کتاب ها قرار می دهیم، یک کتاب، فوئش، با دو کتاب در تماس است؛ نه با تمام کتاب های موجود در آن تاق.

اگر ما دو تا آسمان می داشتیم، می توانستیم، در صورتی که زمین در میان هر دو واقع می شد، بگوئیم که زمین با دو آسمان در تماس است، اما با هفت آسمانی که در قرآن از آن ها یاد شده است؛ چگونه می توانیم تماس داشتن زمین را با همه تبیین و تثبیت کنیم؟

علاوه بر این "ترکیب هر دو" درحالی که زمین همراه با آسمان ها عددی بیشتر از "دو" را تشکیل می دهد، اشتباه لفظی و عقلی است، که از خدای کامل چنین اشتباه نمی تواند سر بزند!!!

من قبلاً در چنین مواردی بحث هائی داشته ام، که غالباً طرف مقابل خواسته است با منطوق دین و آیت و حدیث با من مناظره کند، در صورتی که من می خواهم چنین ابهاماتی را با قوت عقل و منطق و استدلال آزاد بشری حل نمایم.

برای شناخت کیفیت فزیکي - کیمیائی آب، باید آب را به لابراتور برد و تجزیه و تحلیل کرد. تنها نشان دادن آب، که آب است ما را هیچ وقت به شناخت مشخصات گونه گون و کیفیت اصلی آب قادر نمی سازد. تذکرات بالا برای جناب شما نیست، زیرا در آن صورت این نوشته حکم "زیره به کرمان بردن" را پیدا خواهد کرد، که من چنین جرأتی را در خود نمی بینم. ولی، به اجازه شما این جرأت را به خود می دهم که چگونه یک عالم دینی، یک "مولانا" چنان یک سوالی را مطرح می کند؟ قابل تعجب و قابل سوال است!!؟

۲۰۱۷/۰۵/۲۰